

صداقت

ارژندگان راه معلمین

گزیده‌های از مواضع سیاسی معلم

- شاه را منسوب به ملت، دیکتاتور، توری، و نظام تک حزبی می‌دانیم.
- مجلسی، ولایت فقیه، حکومت مذهبی، روحانیون.
- در فرم مسلمانان، ما با سوسیالیسم مخالفیم.
- معادلس، مختلف، نژاد، نژادپرستی، مبارزه، تسلیم، نفاق، بورژوازی، بی‌تفاوتی.

در می‌نهایت کوسر

تکرات خواهد شد
در هر طلوع
در هر طوفان
و شام تو را
بر گذرگاههای تلخیده آن
کاروانشان "صبح آگاهان"
خواهند خوانند.

پیام دانشجویان ارشد

به سالکان طریقت آگاهی
یویندگان راه تربیتی

- تکلیف بر ما می‌باشد که در صورتی
- و رسالت تدوین کنیم تا سون
- مذهبهای ناسنتی مبارزه ما

بحران بحران، رازتای روزیم

روزیم مدخلی حاکم
تدارک و الفجر خوسر
نسلگاه دیگری را می‌بیند
سرمه‌ها را از خاکم که راز
بقای خوش را در سرگرم
نگاه داشتن توده‌های محروم
در سوز میان جملات سوزگرمی
که جود به کشتن دانه‌های
هزارین از آحاد ملت، به
تاراج رفتن سرما به‌های
یادی، و قوای انسانی با معده
و فرورفتن هر چه پیشتر و
میفتد بحران، سود دیگری
ندارد، یافته‌اند، این بار
در ایام دکتوره‌ای، حمله
بزرگ دوبا روی را با معده
"فتح" نهائی مقدمه می‌بینند.

اطلاعه "دانشمندان ارشد" در رابطه با
سوا استفاده از نام
"کاسون اصلاح" اندیشه‌های خرمی

حجسه باد ۱۱ اردیبهشت اولین سده روز هفتمینگی کارگران جهان



سکون ویژه بیوزان راه معلم

- پیام هواداران آرمان مستعطفین
- به‌عنایت نه‌من سالگرد هجرت معلم
- بروزی بر بحران اقتصادی نوسود در
- ایران و راه سروی رفتن از آن، (۲) (۱) (۳) (۴)
- روز سه‌شنبه، ۱۱ اردیبهشت
- امید (دانشان کوتاه) از: "سپار"

نگاهی به فره‌میسیم "مکتبی"

با نزدیک شدن سرگرمی
و سالگردش تمام دعا و دروسی
روزیم سرس مسئله‌ها شنیدی
منتظری، لطیفی از نیروهای
فره‌میسیم جا شبه قدرت سردر
حیث تشکیل بدیل مطلوب
خوش در برابر "خط" است
فعال گردیده‌اند، از این
میان می‌توان به هر چه
انقلاب امرغنا سر از نه‌بست
آزادی و حبه ملی تحسنت
منوان جمعیت دفا و آزادی
و حاکمیت ملت ایران اشاره
نمود.

بقیه در صفحه ۲

یویندگان راه معلم
در مصاف با ارتجاع
کزارشانی از زندان قسم
(۳)

تفسیر خبری

آفات تهای ای طعمه‌ای
در دست حکومت تمام
■ فاسون در خدمت تک
■ فاسون در خدمت مالکین
■ تسلیمات تمام مستعطفین

اما با اینهمه، روح گیسری روز افزون مقامت شده‌های آگاه، دیرسرا سیاست متک افروزی رژیم که مفا یبوستی را در تداوم بخوان مبداند. برادردوری در پی حکام و قواستن تجدیداً میرومکناسات مالی - معانی و... سرملیه کسانیت که به این "واعت الهی" متن در نمیدهند، میتوان مشاهده وارزبانی نمود. معروزم کردن مشمولین خندقی از اردواج، طاق، گرفتاری اراقر

عمومی، بکار... در صورت عدم خدمت مشمولین استخدام افراد شمول از طرف موسسات کارخانه - حات و سراج تولیدی - بخش عمومی و محاربات عماد ممدکار در صورت لغو این قانون از سوی مجلس مدخلی، دستگیری مشمولین در روستاها و... نمونه‌هایی از ناسواستی رژیم اردیبهشت - سرویسای داغ نگاهداشتن - تنگ نشان میدهد. امروزدیگر، جبهه تنگ طلست

و بنا برینکار دیکتاتوریتها می‌تواند در مدخلی حاکم، در ذهن توده‌ها و شناخته شده تزار آن است که وی بشواید از طرفهای عوام بوسه به آغوشی، ارگان سیاسی بوسه و متزلزل حیات خویش را در پیست تقابلیها چون "فناغ ملی" - "خبا دلقی" - "پشتیان ساخته" و مومن تاراد، قوامت توده‌های آگاه و مقامات گسترده انسان خواهی است بر این حقیقت که رژیم را به سرعت، به دوره سرنگوتی، به عقب برساند. □

امانت‌های الهی

طعمه‌ای

در دست حکام

"این پستی، طعمه ایستند برای افراد، بلکه امانت‌های الهی است در دست ما" (مستطری) حاشین طعمه اما متعادل است. مستطری که این اراقتها به این مقام... مکتودت هزار چندین طریح "استقادات ما رنده، اوستان را رسا شینا" یا قضا دی و رتانیس رژیم مدخلی حاکم، از سوی برای آئنده خویش آرو و ایقما دی کتب کند و از سوی دیگر، معروزم آوری سرائی حدت سرورهای ستایشی و ساراعی، قاشه قدرت، گردن دانه دنبال همین سادت، در کسکی از شمسرا نینهای خویش تارزدیگر، رهموندهای در باب شیوه‌های مطلوب و جذبات مردمانی و دولت گردانی، همین رانده و پشتتادات با رنده‌های در این باب اراقت داده است، دریکه ما اندسباری ارسزدیداران دمزدنی رژیم کما، از منق و گسترش نمران فساد و بوسیدگی نظام اداری، کثوری، اقتصادی و هزج و بوسج نینهای تصمیم گیری دستگاه حکومتی، به خویش آگاه است و از درجه افشا، بدگی این همه در میان مردم نیز، راه عمل مناسب از برای نجات آخرین، به در مدخلی گردن که در میان آنگار محسوران بافته است، قاشا بیدمدن فرست ما معی، در معنی ما می‌توانیم متعادل و متعادلشای بوده‌ها در مسسیر سرگوسی محظوم رژیم گرد. وی در سخنان خویش، در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۵ گفته است: "آقایان در هر منطقه ایستند سعی کنند که به ارگانها و ادارات آنها معومی ارگانها بی که مردم نشترا آن سرورگار را برسد"

محرمانه - از رستن متعیندها در می‌رسند و از سر مورد آنها با مردم مطلع شوند و اگر تعلف و جیمزی کنه موجب تاراضی مردم باشد، با قاطعت عمل کنند. "استاداران با بدکار در معنی اراکارگانها، کارهای خلاف شرع و با تفتدوری اعمال می‌شود، با هکاری زوی قفا شینا، خطوی آنرا بگرد و نگذارند مردم را عیبی شود، و نه ارگانها و کل انقلابی ندمن شوند و قوه قضا شده تمام ساندوزانگونه، بوسه سادات مهم منافع و گردنهای شانه" - دنبال گسترش قفا دستان استانداران و نه اصلاحات شانه جمعه که در اکثر شهرها نه مناسبه در وقت متفاد قدرت کارگزاران شتات دولتی در شهرت نینها بوده اند، وی خواستار "عالمیست رواله قوی و مستحکم استناد را با علما و زوفا ندمن شانه در استان" تصمیم گرفته منظم جمعه و مابندگان امام مدظله در اسانها بشود. (سارار)

مستطری که خود از سپهبدی معنی وی استیاری سخنانی آگاه است در اینها، معرومه تادبند است تاریخ اعلام و سنی انقلابی امام علی در امر حکومت داری شد، تا با تادبندنی ترتیب فرجی حاصل شود و گوشتی مدهکارا □

باوقتیبا

۱- "آماندگی معاد و اسلام" ایران برای همه قشرها، اراقم واجبات الهیست. (فروردین ۲۶ همین سال سارار) ۲- اطهارات رئیس ترسنت مدنی مجبوزاده: "مخوروما (وزر شکاران) امروز در جبهه و پشت جبهه مسئولان یک حرکت خدا نیندانه مطلوب است."

یاسخی به چند نامه

۱- سراد در رمضان:

نامه ها و ویتام شمارا در یافت گردتم. امیدواریم در آینده مطالبات بیشتری از شما نیندای سرمد موفق و پیروز تاشد. سراد زبندی اراقتان

تقاضای شماراسی سر آویسه عن نیشه دریافت گردیم. برای آسوددن نیشه می‌توانست سبای یکمال و خوش ماهه آسرا که در نیشه نیریه در کرده است به بنیوی پستی و احیای با نیکسی آس نیشه ارمال نماند. موفق باشد. سراد مرتضی ارسلوبک

نامه مورخ ۲۰/۲/۴۶ نشان شده دستان رسد. در نامه‌ها از ما در سبانه نضره ای که در این تحت مسئولان اراقتا در می آید بررسیده، سورد و اراقتش با ما - در این مورد شما ستواسیدم نضره مدنی شماره ۲۷ مراجعه کنید. در من در معود اس نیشه، بمعومی شماره های اهران، تاریخچه و مواضع خسود راه تکلی شروع معرفی کرده است. موفق باشد.

اطلاعه دانشجویان ارتداد در رابطه با وضعیت فکری و اندیشه‌های غیرمبتنی

کانون اطلاع دانشجویان غیرمبتنی

بنیام آگاهی و

بنیام آزادی

هموطنان آگاه و آزاده!

نیروهای مترقی و انقلابی!

در پی حملات اخیر شرعیه "مجاهد" به پیوندگان راه معلم شهید شریعتی، در چند روز گذشته شرعیه‌ای در دهه‌های روزنامه فروشی شهرپاریس گذاشته شده است که با جعل نام "اطلاع" ارگان کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی، از شورای ملی مقاومت اعلام حمایت نموده است!

"دانشجویان ارتداد" برای اطلاع عموم از جریان امر و رساندن آوری می‌کنند که:

پس از سرکوب "مخرداد" در پی تیز و تندی‌ها به پانده‌ها از آن روز خمینی به کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی و دستگیری بسیاری از اعضاء و هواداران آن، تشکیل "دانشجویان ارتداد" و طبع اطلاع بنیام فمیدتی و سیاسی کانون را سرعده گرفت و اولین بار ارگان "خندق" در تعدادم خطبه‌نشریات "ارتداد" اطلاع ارگان‌های کانون اطلاع در ایران منتشر گشت.

نخست نام کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی در پی برپا شدن آن، موجود شده است که هزار چینی "مفله‌های آمانور" ساخت و عرضه شده تا برای تکمیلش بتوانند با استفاده از بنیام و آرم تشکیل و نشریه ماهانه "ارتداد" و "اطلاع" (که از سپتامبر ۵۸ تا خرداد ۶۴ در ایران انتشار می‌یافت) در زیر لوگو "اوراق" حوشتی اختتام و طبع کنند.

ماضی تقسیم پس شده‌های استدلال افشاء شده و سستی‌های نمونه‌گیری را ارتداد آشکار است حقوق تکمیلی و ضعف نام و آرم یک جریان فکری - سیاسی - اقتصادی گرفته و اعلام می‌کنیم: ماضی آن ساستی که در اوج افلاک بنیادین "جمهوری" معذور کویچه و بازار رسانست میشود، بدست که رنگ ساخته است!

"شیرگون با دهنکشان شوری انشعاری حاکم"

"فرق ارتداد دموکراسی شورایی فردا"

"دانشجویان ارتداد"

۱۳۶۵/۱/۲۷

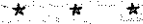
شماره ۱۷ صفحه

موجود در آن (از جمله: درگیریهایی تبلیغاتی به میان حزب‌ها و انقلابی، با در درون نیروهای یک تشکیلات، مداخله‌گری در امور داخلی سازمانها و نیروهای انقلابی، هم‌فروشی فلسفی و عرفانی سازی)، مبارزه کنند، در ضمن حال که هشدارها از هرگونه تشنج آفرینی، تحریک سازی، شبه‌گفتارهایی که باعث همی گرفتن دشمن و تصادها... بهره‌برنده و فاطمه از آن جلوگیری می‌نمایند...
 «بهره‌برداران استبداد بی‌روم و عمل مطلق سیاسی: گفته معلم "موری ترس" حیاتی ترسین و اساسی ترس و سالی در دستگیران و البته به معنی انقلابی اسلامی تلاش، مبارزه و بیاری اسلام است برای آنکه نتواند مرحله تکوینی خویش را تا کامل قوت و موفقیت نگذارد و آن حساسیتی ایدئولوژیک، بولدی درختان با آلم و بیروم و دنیا غنیه باشد... و با که بیستم ۱۳۶۲ قرین تاریخ، هنوز

از هر مدعت و ملتیت و فرهنگ و سزا و دوحس و سی هفت روز در سه مقام بله ما پیرا کندگی و فقدان آزما تده و
و برتری و علا و اساطیر زنده و بیگام و خنده و در سر اسر و سرکوب و حتمانه کا ردا رنجاع و سرخیزد و خوشی مهور
انگشته و معافیت های حمانی کا رگران راه حربه و معافیت عمومی سراسری و سازما ساخته میل سار و
و برتری شورائی کا رگران و زحمتکشان و خا بن پیروزی انقلاب و سرپا ای دموکراسی نوسالینستی طراوتیندی
است

سرگرمیون باد زویم دنگنا سووی اجتماعاری جسمینی
سرقترا اراد و معفتوری شکرورائی نومیستی
شکرکام یاد بسوزد حشش دانتخونی با حشش کا رگری
شکرصاد معرفت کا رگران و زحمتکشان جسمینی
کرامی نادا و لبس شکرشکرده روزجهانی کارگر شکرشکرده

داستخوان ارشاد
۱۳۴۵ / ۲ / ۱



صفحات و بزرگ پیروان راه معلم

آهید!

از بهار

خودش بی گفتم سالید کا رندگی هم
بدا کیم اتاق غلی کوهنگه
و سداری سنگه مرتضی کسبه
اتاق حتمانه سدورگ با سینه
عیس بداری اگه اما نه کارکم
برای ضایع توی خوسه هرکا رگری
بیار و بسنگه درسته هوا هدیده
ما ندوین جاقی و چله و بندر سینه
بته با سدا بقدر توری سته که اریس
همه سر ساد با خودش اتاق دنگه
و فتنی چه بود دین ازین لایز
و ریحوری و یونسه چه های محل
کست و دولتی میر میخته و جمالی
گشت مخورد و حتی اگر کشده
هر چیزی رو سراج با قیمت آزاد
هم کشده بخرم و بیخرم حتی
بسی قوم بلی اهو عیسون
کعاشی کده با سیمجوشی دادین
جال مار و سر منجی کجور منجی
مادرت هوا است کعاشی
غلام ملی بکپونه خودش آمد
شروع کرده با زکردن سیمجاسار
خودش را بدو ملی و علی دادین
مخراشی میگردد و مردم سراجین
دین میزدند و بدیده هم میبود
دوتای دادین با سیمجوشی دادین
را نگاه میگردد بدیده دادین
شش منگفتن جمع بسری و دادین
سد هزار بار
با ساجوا ستم دادین
سراج و بالا جوانیت سراجین نسبت
بگوفت کا دین سراجین سدی و از
آخروم و ساجینه هغه موسس
میکرد و تو اون سالا هوای تو
رودا نشه ماش کا ریخته
غلام ملی رفت با لاکیل و سراج
ایستاد اولی هرجه مگر
خواستن سراجین نفسی آمد
هوله کا زده است آس با اون
با میگردد از او سراجین نشه سدورد
بش طریحه و ملی کجور سراج

غلی کوجولوه لوی طریزین
آدمکه سررگ شده لاسن تسمی
شوییده همکی به چشم زده و
سوار بر ما شین برودا سنجگاه
همه پیش اختیار ام میگذا رید
بیش خودش گفت کا ش زودتیر
سررگشته اگا تمالیا وود تیر بگرد
در قهوه خا به همگی با حشش
سنگتند : غلام ملی حشش
خوشالی و قانتیت سرحم سراج
آزده انشالله دوستش کی
سنا دنگت تورا هه ؟
غلام ملی سرح شد سیرش را انداخت
با شین اما چون سردا رفته بود
در دلت احاسی برور میگرد
کا رگرها رفتند میل کسان
غلام ملی همجی با در فکر بود گاه
زیر لب میخندد و گاه احساسش تو
هم میرسد
چاهی بود نزدیک دا سنجگاه
چاه میبوی که داخل سیم کسار
گذاخته بودید و بسوله لوله های
بلندی که به هیچ وجه نرسیده
بود تا بلی زمین آدانه دادین
دها به چاه خیلی تنگ بود ولی
هرچه با شین میرسد گشتا دتر ستم
به همین دلیل جرت فقلی آورده
بودند و میخوا ستمند سیم را تسمیر
کنند غلام ملی با چند نا زکا رگر
ها به داخل چاه رفته بودند و کا رگر
شان جدا کردند بیخ و میسیره
لوله ها سواد تا حرفت ل استیانی
لوله ها را از چاه منگشد سراج
چون لوله ها بلند بود و جرت فقل
نیستواست نیگما ر هغه شان
را بیرون بکنند هر بار که لوله
با ز ستمند در چاه س کوشش ای
پر تا ب ستمند غلام ملی ستمیل کا ر
نود اما مگر غلامی سیمیش

خوردند تا راه داشت سراجون
سما مد هوا غلی خوب بود هوای
بعد از بارون تازه و مطبوع هم
سارون هوزووی اسفالت کسبت
خساکسوزد با فنی میده نود کا رگر
خوان بگد مویس هومامی بود
و سا خوشالی گام سر سدا شته ز
چشمهای سمدی سراجا ربه رندگی
آسیده نودا و سه آسیده سراج
میزد تا سادود و چرا سنا شد سجا
انگه همسوزن سنا رگی جز سمدی
آورده بودا و بوش خود چندین
با سر سراج و رندگی و سغده
فرزندتا زه با انگشتا ت حجاب
کردند سواد با غا دسودا سدورا
آزده و رویش که سواد ستمنا
آسیده بود در حال تنهارا سنا
نگر کرده بود که وقتی غلام ملی
کوجولوش سررگ سته اچه کا رها
که سوا هذگرد ما خوش میب
سند بود که حتمانه او را سمدر س
سرفتنه تا حتمانه سراج
و فویا سواد ای نشود خوش کند
نخوا ستمه بود هدا قلم غلام ملی
حسراتی را بکنند بیخا طر همس
هم آگشته تا آخرین رقی کا رکنند
خوا هذگرد چرا همیشه سجمه
بولدا رها و ترو تمندان با س
تعمیل کرده ستمند و سجمه هلیسا
همسوزن ما روکش و زحمتکش با فنی
سوزند تازه ما با بدیلوی این
تسلطانی که دست به سیمه و
نقد هم نمی زند و دلوا هم شیم
و کا ر سنا را انعام بدیم که چه
آقا سنا طر موعمت عوبی کسبه
داشته ستم ستمه سمدین ستمنا
به فلی تا بدید و ستمیل گرد ای
نا و سنا د سنا بد ز این ملکیت
کا راه ای ستمه مردم سراج لسان
با راهش حششین ستمند بسری ای
سوی نشی آه و ستم کسند

های کوچکولو، استادمعلی، به شاهدمیان آقای دکتر... کجواحسان دردمعلی کرد. دردهآسیان شدسودگنه دسا دورسین جرسدوهرمد... مردم دست مزمنه، ملی-سود... خدیجه بود، ملی رودست سردم ناآویاشین مرفعت، لعلسه ای خدیجه، وپسین شعی ای ساند از لهردرکشده و دیگر نفهمیده... لظه ای نمدندن مرفی درهوس فلامعلی کسا زرد ماه، روی زمس افتاده بود. در اثر برتبات لوله، متصل

به یکی از کاپلهای داخل جابه که توسط جرنفیل گسکروده بود که کابل شدت سیای فلامعلی خورد و سوید و پایش را از فلامعلی وان قطع کرده سوید و داخل جابه افتاده بود. کارگران شبها چندان از جاده بیرون آمده ما را در جریان سوید، کار تعطیل شد. بدن ریحور فلامعلی سراسر روی نشانه های کارگران شتابان سوسی سماریان حمل منشد. در پس راه بدن منشد و لافش که تاب و پفا و بت نداشت اریس رفت بود. اما در آخر سن لفظه ما

یکه هین به دیگر کارگران هماییده بود، ما را رنگسوان ها ولگران، از ره جرسا بگشتند هین آمد هاسان را سیرا... سیرا... استوار، هشتان کونده، گامهاتان و زرستان بیکسرا داد... فردای آروز، مسکاها ن وقت کار، هدای بر سر و ش و کاپه ای استوار کارگران بود که از دور دنیا طین ما کند زمونه، فلامعلی، صرفت کسه ریزه ها شود... □

مروری بر بحران اقتصادی موجود در ایران راه برون رفت از آن (۲)

روز سه شنبه ۲۰ مهر ۱۳۴۵

وضع آرزوی

۱- دولت به نیتانه اینکه دارایی و ذخیره آرزوی جزو اراضی ملی است تا کانون آراضی خود- داروی کرده است، ولی توان هند را بدی، در دست است که دلالت ستر نه کشیدن ذخایر آرزوی رژیم دارد معاملات با بهای، قطع از مساحتان آراضی، گسترده در مساحتان آرزوی کزانت آراضی تا ساسامه آرزوی آرزوی رژیم دارد. در اینجا برای نمونه، مساحت گسود آرزوی ششم آرزوی وزارت صنایع سنگین و وزارت اتا را می خواهیم کرد:

صنایع سنگین، سال ۱۳۶۲ میلیم آرزوی ایروز از ذخایر ۲۴۰۰۰ میلیون دلار بوده است در صورتیکه در سال ۶۲ میل مبلغ به ۱۶۲۰۰ میلیون دلار گاه هین با فته است و در بودجه آرزوی سال ۶۵، مساحت آرزوی وزارت صنایع سنگین، فقط ۱۳۵۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده است. نمونه دیگر وزارت صنایع است که قبلا به تفصیل درباره آن سخن گفتیم (۱)

۲- آرزوی خارجی پول (سرخ آرزو) آرزوی ریال ایران در برابر دلار آمریکا، مرتساکا هین با فته است.

سرخ آرز (معادل دلار آمریکا) (۱۰)

۳- حجم پول در گردش

حجم پول در گردش را نسبت به سطح آرزوی پول دارد. طبق گزارش بانک مرکزی ایران و صندوق بین المللی پول، حجم پول در گردش ایران ۷۹ تریلیون کسونه تانه، در حال افزایش بوده است. دولت در هنگام کسوت سوده، هزینه ارسن ستم با کسوت استقرار کرده است. توان بانک مرکزی به اختیار اسکاتن بدون بختوانه، دست زده است ستمجه همه اینها، افزایش زور انسترون پول در گردش بوده است که یکی از اسامی تریس دلایل کاهش آرزوی پول - تورم و کاه هین مزد واقعی - میباشد. در سال ۱۹۷۹، بنیول در گردش (بلاوه سیزده ها) ۱۶۶۸۰۲۹۹ تریلیون ریال بوده است که نسبت به ۱۹۸۱، به ۲۷۰۰۲۰۰ تریلیون ریال افزایش یافته است. همان طوریکه ملاحظه میشود، هزینه پول در گردش شدیداً افزایش یافته است.

۴- رژیم آراضی، مساحت تورم دست نه گوسان، مسوده، و اس ستر تا کسوت، سیری مسوده است. است. البته دولت اخیراً مدعی شده که، مرفی نه کاه هین درمد تورم شده است، ولی ماسول هینی در ما مع، نه ندهنده است که نه تنها، تورم، کاه هین نیانته بلکه در تمدن داده است. رژیم تورم در سالهای گذشته (۱۲)

سال	۸۵	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
سرخ تورم	۲۰۶۰	۲۲۰۲	۱۸۰۷۱	۱۹۰۷۲	۱۲۰۵۱۹۰۴

چنانکه در جدول آمده، هر ساله، تورم وجود داشته است. سبب توجه به اینکه این آمارها، مرفی بوده و از طرف دولت منتشر شده است. در صورتیکه تورم واقعی، خیلی بیشتر از اینها است.

۵- قیمتها، در کل آرزای ۷۹ سیر موزون طی کرده است و این افزایش تا کسوت، آدا مه دارد. مساحتی رفد قیمتها، نشان میدهد که قیمتهای مصرف کننده و مرفی فروشی، عموماً، افزایش میدهند داشته است. در اس رابطه سبب تورم، افزایش پول در گردش نیز، قابل توجه، و در ک است.

۶- نرخ کار و مردها (۱۵)

سال	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵
ریال بیکه دلار	۷۰/۶۶۱	۷۸/۳۳	۸۳/۶۰	۸۴/۳۶	۹۰/۰۳	۸۷/۱۹
	6 September					

سنگاری زمین و زمینها در کشور به شدت تروپیک خورده به خشم مسخورد. ساختن کار و از رنگت مومومی مردم، سوز و سوخته مومومی و همچنین با توجه به افزایش تورم، افزایش قیمتها و کاهش قدرت خرید پول، کارگران و کارکنان که مزد و اجورهای خود را دریافت نکرده و مدتی مدتها رسیده است، هر چند مزدهای آسانی گمان میکنند افزایش یافته است.

ولی افزایش قیمتها، تورم و کاهش قدرت خرید پول اقتدار مافتن است که ساز و مدارنگار مردمی واقعی به نصف تنگنرول رسیده کرده است.

۴- ممکن است در آینده مورد در دست نیست، ولی از واقع ماسا جامعه و مصرف را با توجه به با سرنگار و ذکر شده در بالا، مچان سومی آید که مسئله ممکن هنوز باطل ساختن است و یکی از رنگت سیم مردم است.

۵- درآمد، هزینه، سودگی و وضع بهداشت عمومی و آموزش با توجه به عوامل مذکور، مچان افزایش تولید ملی، کاهش قیمت، کاهش مردمی واقعی، تورم، افزایش قیمتها، واقع است که درآمدها، کاهش یافته و در مومومی هزینه تولیدگی افزایش یافته است. اوضاع بهداشتی و درمانی نیز تا سالیان ماضی شدیدی روبرو است. در کل، سطح بهداشت در جامعه بسیار پایین آمده است و اندک امکانات بهداشتی، سیر در جهت بر آوردن نیازهای جنگ روان شده است.

کیفیت آموزش با شش آمده است. هزینه آموزش و پرورش، نه تنها در مقایسه با سایر کشورهای همسایه، افزایش یافته است که در جایگاه نیز رسیده است. تاکنون نیروی دانشم سیر اوضاع عمومی و بحران اقتصادی روز به روز تشدید خواهد شد. آن بر داد خشم، حال به طرح چند سوال و پاسخ به آنها و تجزیه و تحلیل بحران موجود خواهد پرداخت و نظری خواهیم داشت بر توسعه و راه حلهای رژیم برای سرون رفتن بحران و در پایان، بدلیل ه های متنگ و مورد آرزو سالی قتر از خواهم داد.

اولین سوال این خواهد شد بود که چه عواملی باعث توسعه آمدن بحران شده اند. در پاسخ به این سوال، تا بدگفت عوامل مختلفی در اینجا د مچان شش داشته اند. از قبیل مسائل فرهنگی، اجتماعی و غیره.

شماره برداشتهای مختلفی شاید علاوه بر اوضاع کرد، اما هیچکی در مورد هر چه روبرو سیرنا میکی نمیتوان گفت داشته باشد.

۴- بحران بین المللی سرمایه داری؛ همان طور که مبداء و نظریه هگان روشن است، اینها است. اینها است. آنها شکه با مافتن احاطه میکنند و با از اقتصاد هیچ میزبانی نمیشود. در سیم و البته تا هفتا می، بعد از انقلاب هیچ تغییر د داده نشد و سیم است به خوردن سالی مانده، تنگنرول فرقی نگرفته است. اینک تورم هر چه و مچ بیشتر شده است. اما از رویا شکتی، هرگز گمانه نشده است و هفتن و استکی تند شد سیم نه سرمایه داری سیم - المللی، اقتصاد ایران را تهدید تا سیر بدبر و است بدبر نکرده است. بحران نفت، نتیجه مقدم بحران سرمایه داری بین المللی است. تورم جهانی سز در سه هم خوردن تعادل ساده کاراها روبرو شده است. رکود و بحران اخیر از سطح بین المللی بیشتر تا سیر از جهت جهان گرفته تا مین شود و این به طرق مختلفی از جمله تحمل هزینه های جنگ از وجه اقتصاد کشور تا سیر داشته است.

و حال سیم رژیم راه بر رفتن بحران را در چه مختصر میکند. در مورد جنگ رژیم کسب گدو به جنگ خانه هرات کسب ادامه داده است و هنوز سز لایسی سربازان با فتن جنگ و هتود ندارد.

در مورد تا مین گیری بوده، رژیم افزایش مالیاتها، سیر بستن مومومی گوناگون، سیر خدمات دولتی، کاهش واردات، آرا دگداشتن بخش عمومی، سرمایه گذاری خارجی (در زمانه پشتن به طور مشروط و این بار سیم گفته ایم اوری آورده است، استقرار ارباط ما سکی سیر سالیها است که در دستور کار قرار گرفته است.

در زمینه سیرنا به ریزی و وضع مالکیت نیز رژیم از سها شکتی روز به روز دنیا له روی کرده است. به وضع مالکیت مشخص شده است و نه سیرنا به ریزی در کار است. سیم، مچان در چه رچوسو سرمایه داری و البته با سکی مانه است و نتیجه این در مومومی تا سیر بدبری از تمام سیرنا سرمایه داری بین المللی قرار دارد.

اینها فقط عوامل اساسی اقتصادی را نخواهم آورد. سیم نظریه عوامل اساسی سیم سیرنا و سیر در موجودات مدن سیم سیرنا داشته اند. اینها قابل مایرند از:

۱- جنگ
۲- کمردی سوخته و از رها می
۳- عدم وجود سیرنا به ریزی و سیم اقتصاد می سیم

۴- بحران بین المللی سرمایه داری

۱- جنگ: عامل اساسی بحران کسب در ایران جنگ است. البته دیگر چه عواملی مانده است و مورد مدن جنگ بوده و چه کسب از این جنگ سیرنا مینگردد. مومومی بحث ماسیم، در اثر جنگ سیرنا های نادی و اساسی، از سیم رفته است. سیرنا و کارها نه ها. سیرنا شده است. تمام امکانات در جهت آن روان شده است. مچان هزینه ها، به کثرت مچین شده است. بدون اینکه سومی داشته باشد. سوخته و در آسدها و موجودات سیرنا خود اغخاص داده است. کارمات تولید کننده است. تولید کت دیگر که آسده جنگ است. را میتوان بر شمرد.

۲- کمردی سوخته و از رها می که خود را چند مسئله متنا، همان جنگ است که مومومی و از رها می و سوخته صنایع و امکانات ربا دی روبرو ساخته است و از تولید در بخشهای مختلف گامنه است و خود این مسئله، سیم سیرنا مستقیم جنگ می سیرنا مچین و بحران سرمایه داری بین المللی است. از موجودات صرف خود ماسیم نظمی کشته و از طرف دیگر سیرنا جنگ باعث کاهش تولید و سیرنا رفت و کاهش تا بر تولیدات شده است.

۳- یکی دیگر عوامل تا سیرنا سیم، عدم تثبیت یک سیم اقتصادی و سیم عدم وجود سیرنا به ریزی در از مدت سیرنا، زمینهای کشاورزی، کارخانه ها هر روز دست به دست میشود. هر چه و مومومی اوضاع جنگ فرما است. یک روز مانه دره می شود، یک روز مانه داده میشود. هیچ ثباتی وجود ندارد. کاردهای تخصص وجود ندارد و درها، متکل دیگر سیرنا دست به دست هم داده است. سیرنا سیرنا خود سازی می رسد، یکی از دولتی کردن دفاع میکند و دیگری از آزادی ماسیم اقتصاد ایران مین میگوید.

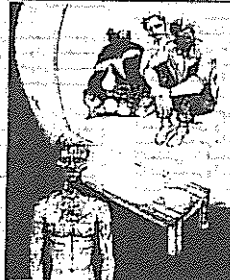
TAC ECONOMIC INTELLIGENCE
ANAL. No. 4 - 4375

- ۱۴- همان ماه
- ۱۵- همان ماه
- ۱۶- ماه خا فامی و زمستان
- ۱۷- زمستان تا بهار
- ۱۸- بهار ۴۴

با ورتیبها
 ۱- مقاله: تعیین سرباست
 اقتصاد با ورتیبگی رژیم
 ارتقا: "مقتضی شماره ۲۸
 ۱۱- ۴۳۷۵ No. 4 U. S. I.
 ۱۲- آمار معدنی سن الملک
 یول سه نقل و اولش ما سنگ
 مرکزی ایران

رژیم برای افزایش تولید و
 تأمین سوخته. دست به اقداماتی
 نبرده است که تجزیه و تحلیلی
 آن با رها احتیاط شده است. از
 یک طرف به قول خودمان میخوانند
 شرکتیهای سهامی را توسعه (مخا)
 سرمایه گذاری را تشویق کنند و از
 سوی دیگر جنگ قسمت اعظم سوخته
 را با زور میبلندونه این خاطر است
 که باید گفت سرمایه گذاری بدون
 سرمایه را فقط باید در روپاها
 و اراضی معال رژیم میکنند است
 حال ما سوخته سه نجه در سال
 تخریب و روشن شد. سرمایه های
 ممکن را دیگر خواهم.
 دوره بیشتر وجودند در اول
 ما زاموزی و توهم سرمایه
 داری و است. نظم و مستقیم به
 آن در همان جا خوب موجود است
 جناح بوروکراتیک - تکنیکریات
 مدعیان است که باید گفت دور
 نمای رویشی ندارد.

دوم. وثیقا را فعلی برای
 خروج کشور ایران محل با مقبله
 ذکر شده در مالات.
 اول با میان دادن به تحسین
 ارتقا می و باز سازی خرابیهای
 حاصل از جنگ و هدايت اقتصاد
 در مسوادی و سالم.
 دوم. بطریقی و نگار استین یک مرتبه
 نامه روزی بیشتر گردیدن به نفس
 کردن وضع با کمیت تقویست و
 سرمایه گذاری در صنعت کشاورزی
 توسعه و مگا سرمایه گردیدن. سرمایه
 روزی و باز از سرمایه برای محصولات
 کشاورزی تقویت قسمت گذاری
 عادلانه آن و تا می گرد و بیشتر
 برای این بخش سرمایه گذاری
 در صنایع مادر و صنایع وابسته
 به کشاورزی و معدن کردن و ارباب
 به کارگاهی میانجی بین جاهای جدید
 میانجی مادی.
 تنظیم و تبادل ما نخستین
 بوده و اختصاص سوخته به بخش
 های حیاتی تر و جلوگیری از
 افتراط و تفریط. مویزه در بخش
 سوخته و از خارجی و ارباب
 شرط لازم برای رسیدن به اقتصاد
 متعادل است. و راه عمل تنظیمی
 اصولی، علمی و عقلی تنظیمی
 رسیدن به استقلال و خودکفایی
 اقتصادی خروج از کمیت سرمایه
 داری برای محور ساختن از
 مواردی است. از آن، و سرکاری
 یک نظام. موسیقا لیستی نه مستقل
 بوده که ضرورتی حیاتی، بسیاری
 حمایت از صنایع ملی و توسعه ای
 می باشد و چون هزار ملی هستند
 نریست و دیگرنگ بوده. و سایر
 بیش نیست و حال آنکه به تمام
 هر چه و دست هر که به مردم تحصیل
 شود.



هواداران رژیم مستعفی در اروپا. اخیراً اعلامیه ای در
 رابطه با مقاومت خپا مقاله "تکریم سازمان دیپلماتیک
 افرادی رژیم اقتصادی مستقیم است که های بیخوف فیروسیطی
 جلادان حاکم. مستقیم است. در این اعلامیه، ضمن اشیا و های
 کوتاه به تاریخچه سازسازی و عقیدتی این سازمان سرمایه
 رژیم انقلابی و اختیاری حاکم و در مسرتگی و بیخوفی
 اعلام انقلابی. مقاومت و تابنداری قهرمانانه مسئولین این
 سازمان را در زیر شکنجه های رژیم ارتقا می معرفی کرده است.
 سازمان گروهی از این اعلامیه را از سرخواستگان میگردانیم.
 پس از ۲۴ فروردین که در آنجا به حاکم رژیم ارتقا می معرفی کرده است
 تنظیم شده بود و حاکمیت اعلامیه و در یکتا نوری و اختیاری فیروسیطی
 تکنیکی اعضاء هواداران سازمان ارتقا می بیشتر است و در
 ادا نامه این نشانیهای نیروگرا در ادب نامه. مرکزیت و گروهی از
 اعضاء هواداران سازمان، در طرف سرهای رژیم انقلابی
 دستگیر شده و به سر شکنجه برده شده. هم اکنون پیش از زمان از دست
 گیری مرکزیت و اعضاء سازمان ما میگردود و در این مدت رژیم
 ارتقا می و تقرون وسطای حاکم از دادن هرگونه اطلاعاتی از وضعیت
 آنان به خانواده هایشان خودداری کرده است. طبق اطلاعات رسیده
 در ادب نامه رژیم ارتقا می و متعلق حاکم در ضمن جمعی برای
 گرفتن مجامع تلویزیونی از مرکزیت سازمان با لاف میعدنا قهر
 سرزوشی و همرفگری از آن مستعفیان ارتقا می رسیده هرگونه شکنجه
 و افعال و محتایه ای درج کرده است. معنای نمونه میتوان از
 افعال نگیناری مرکزیت و اعضاء سازمان دیپلماتیک ایرانی
 و شکنجه های هولناک قرون وسطای که محسوسه ارتقا می و تقویست
 از اعضاء بدن معدنا قهر سرزوشی شده است ما سرمد لازم به تذکر
 است که در چنین ماه حال گذشته (مال ۴۴) یکی از اعضاء سازمان سه
 علت شکنجه های طولانی و محتایه رژیم به یکی از سرباستیهای
 تهران منتقل شده است و معاصون هواداران رژیم مستعفیان
 از خارج از کشور و از زمان سازمانها، گروهها و شخصهای مترقی
 ایرانی و همچنین ارضه ما زانها و معاصون بین المللی مدافع
 حقوق بشر میبوا هم که مدای مطلوبانه و مجامع مقاومت و تابنداری
 این سازمان و معاصون را به گوش هم میان بر میآید.

ملاقات ویژه: بیروان و آه معلم

الحمد لله رب المستضعفين

پیام هواداران آرمان مستضعفین، بنیادست ۲۶ اردیبهشته بهمن سالگرد

«هجرت مستضعف شهید، شریعتی»

ما دشمنان نفی از بیروانی و بیوسدگانی و آه معلم با لبهای خون چکان و میزوحمان را کثودیم تا همین سالکث هجرت ها هر بزرگ معمران را، به آغوش کشیم و با الهام از اندیشه های توحیدی و انقلابی این درخاک کثت نشاندگان، تداوم بگیریم و شمشیر شام و شمشیر آریه را در روز و روزی تداوم بخشیم، منتی را مسلسل اندیشه و باغبانی از کلمات فروما رسیده از تریب کثت اجرا و تجدید بنده و یمنان که ما اتلامگران آرمان مستضعفان رنسان روزمان خود هستیم و همچون درخمان گزولشی کور سبک و استوار و صبور و غیرمطلوفان بهای شهساک، تشرور و گشتاخ انشاده نام و نسل تمنیا و تحریفها و شتر منیا و ازین مخرردنهای بیابانی و به هراتها می، مستم گزیدن های با و ما ندگان از راه و اسراهای عظیم رانان کثیدی شاسته شان با شاکر گزیم

ما درین اسرد و غم جفا ران میسای دمورا رفعمتجان غربیا دگریم و بیباکتان را ما غنا مت استوار زمان بر نیکه های دهشتناک و طوطی خون و غریت و اسارت میردا ریم، و زمان سرخمان بی آمانیا کثی کلنات را هورا این برج کثت اجرا را بر وقت خوده های در سید گیکه میکنید و سر اسر و حوثتان، را به آغوش میگیریم و این همان آغوش توفنده و سوخته است که کاج فقرت بسازد

خنازان را نه خاکستر باهی عدل خواهد کرد آری، ما ایمان به فردای سرمدین خویشید بر فروع سلی که شخروئید و نسلای منقط و یوشده رایش بر میگردد و یوشای خد زمنتان را به آتش میگذراند، استقلال بهمن سالگثت هم برید ها هر بزرگ عضرمان میروسم، در حالی که اکنون مرودان خلقی فرسدا و آتار و تار از پشت تخیل شکسته و یوزان فرزنی که آرام در سبک خویش حفتا تشرورند و روحان ترا به هر فیله ای که فیصله یارند و انسانی و ما وی به طریقه های خلق در درازمای، بیروانی کثت خاک کثت ارتجاع و اعناق و جوده نریا دشمنند و تار حوثن سبکند، تا ریش زنتان بر

هواداران آرمان مستضعفین

درها رج آرکتور

دنباله مقاله بیوسدگان و آه...

خویشیها خدیم، حوصله را نبرفتد بود، آفته به را همسرا می گفتیم برای چه چشم بسته مرا میگردانی منم من ضعیف است و... می گفت به شما میسودا طمئینان کرد، میس خواهم که اس منطقه را میسار - بی کسی گفتم اگر رفتن میس است که میگوی، ما میدانی که

حاش گفته بودیم، که سوال است تروع خد، تا خاک کثت تو استیم شخص بدیم - تفرسود و میکانه راهم خط میگردند، وقتی تندید ها کا رگروا فح نقد، تعلقع هتا را آقا رگرو دند، خلاصه تا هنگستمان انظار را آنها کلکنا رزفتند و هر سر مدون بنسخه به زنده این کثت شد

ادامه دارد

بیتن نسوی جامعه ای آزاد، آگاه، برابر

یویندگان راه معلم در مصاف با ارتجاع

روز هفتم تیرماه سال ۶۰

مدر و روز بعد از کودتا میروزم جسمی
 و آنجا رفتیم مرکز حزب جمعی
 (۱۲ تنه) توسط موزان «سیاه»
 یا در آن در خانه میکوسی خود
 یا زادت ندیم، کسانی که برای
 دستگیری من آمده بودند هیچگونه
 مدرکی از طرف دادستانی سیاه
 مراع با مطلع قانونی سراری
 را زادت من به همراه نداشتند
 آنها اظهار داشتند که سیاه باید
 را نه اذیتها ساختا کاردارد.
 لطفا همراه ما باشد! من که
 مفهوم اذیتها ندانم و همراهم
 را چون ندانم، بدون هیچگونه
 سفارشی، لباس پوشیده و از
 خانواده جدا مانده بودم و سیاه
 همراهم را زان ندانم، تنگنای
 خروج از منزل رفتن زان من
 تصمیم گرفت بگرفیشت سرودن سفر
 اطراف تهران را همراهی کرد و تا
 خاها من که ما شام فند
 رنگ شیمی اربوع آریابازگنده
 بود در همان روزها بودم، سیاه
 ما شین نزدیک تدم دیدم و دست
 ما لباس شیمی بردرون آری شد
 اند بگرفیشت فرمان دیگری
 در قسمت عقب ما شین، یکسری از
 همراهم با جنوس بیشتر گرفته
 در قسمت عقب را باز کرده و سه
 درون ما شین پرتاب کردند و سه
 لافا ماله بر روی درکتار بم جاگرفتند
 و فریاد میزدیم و بسف ازنده خا
 گرفتند، ما شین با سرعت از خا
 گشته شد، تبهدها فرو بردند، دست
 بودند.

زیر شیمی نگاه کردیم همه -
 شان لباس سیاه رنگ پوشیده
 بودند و سرپا ای خودشان سیاه
 و کدر می نمود، مثل شکر و اندیشه
 شان، وقتی به محل سیاه
 یا در آن روز و زان عملیات
 (او البته سیاه را ندیدم، ما شین
 در جلوی در بزرگ زندان ایستاد
 را ندیده بری را از پنجره ببینید
 آورده و به تکلیف نمود گرفتند
 در آن روز زان زانسی آورده ام!
 کچیان بلا امله در آرا کرد
 و ناخن به داخل حیات رفته
 در کوهتای پارک کرد، آری ما شین
 سیاه تدم، بپوشی نگاه می
 اطراف انداختیم، وضع غمناک و
 غمناک بود، تنگنای شیمی

اعضای سیاه از زیر زود رفتند، مسلح
 و آماده باش بودند، حتی در بالای
 نام زندان سیاه املحه میگفتند
 ندهاوشی کارگذاشته بودند رژیم
 و از روی مزدور نظامی - پلیسی
 وحشت زده و عظمگین همه چیز را
 می تابانند، هیچ حرکتی را از
 نظر دور نمی داشتند، همیگه از
 ما شین سیاه ندیدم نگاهها
 بر تفتان داشتند اما از هوش
 شامی کسی چیزی سیر می نمودند.
 مستقیمه اطاق زندان رفتیم و
 تدم، آری ما شین و متعینات را
 بر سر می نمودند، شوالا و بیاسخ
 دیگر میگفتند زادت را نوشته بود
 یک تا معنی در یک شلوار جوتی
 در بیرون آری زندان سیر می نمودند
 از یک ساعت دیگر از مدتها
 چشم بسته و با گذرانیدن از سوراخ
 صحرایی به دفتر زندان بر می نمودند
 در دفتر زندان، و میروند متعینات
 را بر سر می نمودند از سمت تخته
 اطاق از دستک رفتیم و هر چند
 زندانی سیاه همراهم را
 تعاهدی که قتل آریان خردان
 ۶۰ در هنگام شتره مروتی و
 دستگیر شده بودند، اکتوبر
 زندان شین بدینک هادی بودند
 آریان با فاشه ملوک گیرنده
 تا تعدادی تا جاقچی مواد مخدر
 و طفولای مسلح و
 هورک ساعت آریا زادت شیم
 گذشته بود که متوجه سر و مدالی
 در کمر بودیم، بعد رنگی
 تحقیقات میبندیم که سیاه، فند
 دارد تمامی زندانهای ما را
 آریان زندان زندان شتره -
 ساسی و اوق در خاها ما شینک
 مستقل کند، کار چندان شنی طول
 کشید، بعد از ظهر ساعت ۲، حدود
 ۱۵ نفر از هواداران ما زان
 محاهدین و میکار را به بند سیاه
 آوردند، بعد از پرس و جو
 آریان مطلع تدم که همنگی
 در نظرهاست، ۲۰ نفر را در خاها ما
 حیدر زود اقم در راه قسم
 تهران دستگیر شده اند و در
 آرا داشتگاه های مختلف سیر
 سپرده اند، روز ۱۵ سیر نفر سیاه
 شامی امرادی که در آن محسار
 دفتر مرکزی به هلاکت رسیده
 بودند در اعلام کرد در آریا بودند
 زندان همان اماسی گشته

شده با اعلام میگردند تا تعدادی
 از هواداران تفکلاتی ما زان
 در امور دستگیر گردیم آنها
 معتقد بودند که این عملیات کار
 نهادین سیوه و معاهدین در این
 راه صلح و شمولیت شیمی را
 نقول نخواهند کرد، پس از یک هفته
 ۱۵ تیرماه تعداد زندان زندان
 عملیات به اندازه ای رسد که
 گروهی از زندان تفتان مسرور بودند
 که در کمر بود و دستها و درکتار
 توالت و حمامها را بر طوط و
 کثیف شلوار خوانند، در همین
 مدت کوتاه سیاه استگار تعدادی از
 همه ما را زندان سیاه
 از یک نفری شتر سراج الیاه
 گذاشته شد، که حتی تعدادی از
 سیاه پس از محصله تبهدها زان
 حسن خرا تا شین در آن شترک
 میگردند، ما دستگیری شنه معاهد
 محمد علی مالک الریاضی روح
 از آن شتر سراج کثیفی حاصل شد
 و تفکلات داخل زندان ما کسک
 حیدر زان و مواد سیوه و معاهد
 شفات بوریا به گذار شد، سیاه
 فراییدن، اما ماه شرا و کربان
 از زندان نوزده ترک گشتند.
 تمامی شتهای ماه زان مستشاران
 زندان سیاه و معاهد سیاه
 از سطح ایلام و مصاف شامی
 به من سر باز شدند، البته اسامی
 حیدر زان را نگذاشتند، سیاه
 در سیاه هم میبندیم (مرکز
 تفکلاتی تمامی نماز اعمال و
 تفکلاتی و اسطول و بندهای
 دیگر میبندیم کرد و هر گروهی سیاه
 و ارتباط طلوگیری خود
 تعدادی از نماز و البته شتره
 عاشی بوده و اکثریتی را سیاه
 خاوسی و شترگیری از امسال
 رفتار زندان گماشته و طبقه
 اس نمازها شین در شوش گرایش
 کثیف و ارتباطات و تفکلات داخل
 زندان سیوه ما متروده ای -
 اکثریتی، تعدادی که وظایف
 مجله را بر عهده ایستام میبندیم
 آرا داشته و ما سر حیدر شتر خا
 آنها را میگردانند
 که هم ما زان - معاهدین سیاه
 زندان سیاه
 اعتبار زندان سیاه را فرزند
 رئیس زندان (مادتی) و معاهدین
 (حیدری) میگفتند شرفی حیات
 زندان را در اختیار تان قرار
 میبندیم که یکی از روحانیون
 را سیاه به دایره ساسی بدو
 لوزیک سیاه اقتدا کردند و
 که سیاه حیات در مقابل آنها
 استند و گفته که ما ساسی خود
 آریان زندان آریان ما جماعت -

انتخاب کرده ایم، بهرحال بهار
 عهد فطرانه اما مت آفای م... به
 ما آوردیم، پس از ساری یکی از ما
 شاور و حال خاصی بهما آوردیم
 پرداخت و بهما هدیه و بهما روپوش
 و زندان و اما کردیم، پس از
 با ما میسر آمد و بهنگونه
 حرکت تحریک آمیزین محل مراسم
 و اثرک کردیم، البته بعد س...
 منوعمندیم که تمامی اعمال و
 رفتار در مقامیان در آن مراسم
 (حتی متین را و نه زار و طبرون
 معاطین زندان به دادگستری
 گزارش شده است.

در ماه رمضان اتفاقاتی روی
 داد که کلمات اتراد رفتن قوت
 می آورد...
 روزی ماه رمضان که کسی از
 اعمای آلمان مستمعین دستگیر
 شده و به زندان منتقلات آوردند
 شده بود ما بدلا ما طه بسیار او
 تماس گرفته شد و سعی مائیل
 تشکیل دادیم. از ماطی زار دیگر
 ممدادیم، برای ماعا بی بی می
 با بد زار طه هوا جوری که خبر او
 به مدت نسبتا کم برای زندان
 هر مدتی ما می گرفت امتیاضه
 می کردیم، برای هوا جوری ما
 با دادگستری که ما می شد...
 می رفتیم و برای ماعا به ماطی زندان
 از او رفتندیم، پس تا در دستگیر
 لعه او رفتند ماطی زندان
 استفاده می کردیم هر خود را در پس
 زندان تا آن بند می کردیم و پس
 از آن یک ما کالین استایلندی را
 طی کرده و به سلول می رسیدیم در
 آنجا با فرد سرور تماس می گرفتیم،
 به هنگام هوا جوری طق سر ما در
 یک لحظه خود را داخل زندان
 بند ما کردیم و تاوستم خود را
 به سلول می رساندیم و خود را معرفی
 کنیم و ماطی را با انگشتری به او
 می رسانیم.

این کار با موفقیت انجام گرفت
 دیگری از اطفالهای بند استنتر
 و به محض ما زنگت بجه ما
 دستگیر از هوا جوری ما بسیار
 آمد خودمان رفتیم، بنابراین
 رئیس زندان (مادقی) و ماعا و متین
 (میدری) به ماطی ما آمدند،
 ماعا بی اسم بر ما آمدند، دستگیر
 و دم در ایستادیم، نگاه می کرد و دست
 برای بی بی ماعا بی بیو رفتیم
 بودی، ماعا بی بی تا دستم دم گفت
 میسکت را سردا و سردا شتم، چپ و
 راست کوسیدنوی موربیم، کنترل
 را از دست دادیم اما خود را معطل
 کرده و ما ماعا بی بی گفتم: اینست
 خرمه امان اطفالی است که
 تمامش میسکت میسکت؟ هنوز مردم
 تمام شده بود که با کمکم

کوسیدنوی شتم، دیگر همزبانی
 نمی کردم، با ماعا بی بی که جا داد
 زده بودند و تعقیبشان می کردند
 دفتر زندان ترده بودند، ماعا بی
 ای که مقداری به ما آمد گفت
 کی دستگیر شده ای و چرا؟ گفتم
 روزی ۸ روز میسر آمد چرا؟ البته
 میسکت هم از این سؤال را کرد،
 گفت: ارجانه تا آن چه میزی شد
 کرده است، گفتم: هیچی، گفت: کوکی
 دقیق و کامل خانه تا آن سوسپ
 قصه از این ترار بود که وقتی ماعا
 برای دستگیری من به خانه آمدند
 علت شرایط خاص و محاسن است
 حاکم بودن خویشم گذاشتا، فرست
 ساروسی از ما به ما رایسداد مکرده
 بودند تا به پس از سررسید پیوسته
 متوجه شده بودند که هیچ میسر نوری
 پروده، من بیست حرکت گوارش
 آرماسریا که در دور و دور آرماسریا
 ارجانه دستگیر کرده و زندان
 آورده بودند، ماعا زار بی بی
 زندان میسکت که آن شب به ما
 خانه ما را هجوم برده و تمام خانه
 زار و سرور کرده ما نتوانستیم
 جز فرار میسکت آورد، موعای گسسه
 در خانه من موجود داشته قبل از
 این هجوم یعنی بلافاصله میسکت
 از دستگیری من ارجانه فرار
 بود، آن شب تا صاف ۳۰ روز میسر
 زندان توسط ماعا بی بی و ماعا و متین
 با جویبی شدم، ماعا زار بی بی
 جویبی با رحمت خود مرا به اتفاق
 را بندم بر ماعا بی بی شتم، دهقان
 با زنگ کرده بود و چون ریادی در آن
 رفتن بود و تمامی دست را از لونه
 کرده بود و پیراهم، با راه شیده
 بود، لازم به ماعا زار بی بی است که
 رخصت می شد و تا چه کم تر مربوط
 می شود روز ۲۹ خرداد.

۲۹ خرداد، روز شهادت معلم شهید
 دکتر شریعتی بود، در این روز
 از طرف کانون اطلاع اندختن های
 شریعتی، مراسم، دروزر گسسه
 آمجدیه برگزار میشد که از روز ۲۸
 خرداد از طرف و زار استکوری (کتبی)
 به سرگز ارگسندگان مراسم
 اطلاعات داده بودند که این طله به
 علت وضعیت و شرایط حساس
 کشور و محمول بهران، بهر گسسه زار
 نخواهد شد، به این ترتیب
 جلسه از در سبزل شهید شریعتی
 سرگز از شد، که از طرف ماعا بی
 بی مرتجع و ماعا زار بی بی
 (اوسته) به حزب حاکم (سور)
 هجوم قوا و گرفت و تعداد زیادی
 از شرکت کنندگان منجمل خود
 من در این مراسم زخمی شدم
 ماعا بی بی هجوم حزب الحاد
 منزل شهید شریعتی و اعمال
 من با شکارانه آنها خود را نشان
 مفعلی است، بکه از شرح و بسط

آن در اسما خود را میسکت، قبل
 با سادتا را همگ، بهما قدر آن حزب
 حاکم، همان ماعا بی بی انجام داده
 که متین خود با کمیت و محصل شد
 خلیبی سرانجام از مبعده گرفتیم
 آن خود را می کرده اصطلاح آنرا
 به کردن گروه های انقلابی و
 متفرق ایداعهت، آشور به هر
 زخمی بوده سارستان منتقل
 شدم، پیش از آن، تعداد زیادی
 از شرکت کنندگان در مراسم که
 سقوط جماعت را از زخمی شده
 نودتد به نمازستان منتقل شده
 بودند، مدودیک ما متنی کشنده
 سوست به رسد، دکتر سراج
 گفت که به احتمال زیاد دکتر و
 شامه شما ساکا و دیوکت بر زخمی
 شده است و دستپوشتری شد چرا
 داد، البته پیش از گرفتار شدن
 کاغذ مرحمی با اسرار و ساردار
 سارستان به موعا بی بی و موعا بی بی
 هم ماطی نتواند که مکنسی از
 سارستان در اینجا زمان گذات
 او گفت احتمالا جمعی است دیگر
 گفتند که اینجا خواهد بود و تمامی
 زخمی زندگان از تازی سار و نوسری
 با خود ما آمدند، هر چه بود دستگیر
 اسما را تری کشید، پس از تری
 سارستان به یکی از شرکت های
 اطراف کریم رستم و جسدوری در
 آنجا بودیم پس از آن ماعا زار بی بی
 انجام ماعا بی بی، از یک راهه قسم
 رفتیم که موعا بی بی سارستان
 اتفاقا در دفتر مرکزی دستگیری
 از طرف سارستان.
 از اتفاقا دستگیری که در
 نماز رختان روز داد، دستگیری
 تعدادی از هواداران آلمان
 و کاسون ایلیک بود که توانستم
 توسط یکی از هواداران آلمان
 خود داخل زندان را به سارستان
 و از خود داخل زندان مطلع شام
 شامتم، روز دوم دستگیری
 تعدادی از هواداران خط مکی
 معلم، از طریق بلشچکو به سار
 جویبی فرا خوانده شدم، تا نام
 را میسکت فراموش، دفتر زندان رفتیم
 در آنجا شامتم را دست و تحویل
 یکی از ماعا بی بی دادند، از
 زندان خارج شدم و به ماعا بی بی
 ماطی بی بی قدم گذاشته بودم،
 که آلمان کرده و در دفتر دستگیر
 اطراف ماعا بی بی گرفته اند، یکی از
 آنها شروع کرده بود و الا بی سارستان
 گنا فرحونی گرفت (امعل معالمت و
 مرکز جمع هواداران، معلم
 شریعتی با بی بی شامتم، سارستان
 فضا شامتم گفت: خودت به متفرق
 می آیی، خطی مادم سارگسرت از
 نور آه جز در آورده ایم، بعد
 از گذات از دستگیری موانع متفرق
 امعل بله و... او را در سارستان

پیام دانشجویان ارشاد

به سالکان طریقت آگاهی و یویندگان راه شریعتی

سال‌های دگر کم گذشت، اینک ما در آستانه نهمین سالگرد هجرت و شهادت معلم امام سرای ما بیرون اسلام اجتماعی، بکه هجرت آماز تاریخمان است و معنت عظیم ایدئولوژیست‌ان شاعرین پناسر تحقق میباید، بنا دوازده هجرت معلم نیز معنای دیگری جز "گراوندات" شرفانی و پیام‌دگری جز رزده نگاه داشتن یا دوا طره، یک شبهه در دوان تذکار روشن و مسلم این واقعت است که تا شهادت معلم دیگر مسئولیت تدوین و تحقق تثلیث سوسالیم، دگرزایی و عرفان که ایدئولوژی ما است و بتداوم طریقت آگاهیتش و آرزویش، که عطف منسی ما است بر سالکانه های حیوان ساخته شده، و ما فیع و ارثان سرمایه، فقر، کتاب و آراذگی که میراث معلمیان سواد سلاخی که در سراسر تاریخ قوم قاسطن کشته و "ساکتین راه" روشن نشین میگرد و ما این میراث و باخبره، عسی این واقعت که این فکرو این راه عز ما و انتقال ما همکس را ندارد، و با بهره برداری از دو معنی که شریعتی در ذاتش خود آگاهمان کزده بود، "تجسس و سوسون" و "رهبرداشتن" است که راه را از امانه منضم، همچنان بی هیچ درستی که مسئولیت ما به "تجسس و سوسون" میگردانی، سراسر راه را در هر نظامی و هر مغزی است و برای ما این تقسیم بندی عادی و طبیعی که چند ساعت معادلتن، چند ساعت کار، چند ساعت خودخواهانه نواختن و چند ساعت همراهی خدمت خلقی و اریه معروف و سنی از شکر سپردن، از سوزن انسانی طین است خالی که برای ما مسئله مسئولیت و رسالت، مسئله ای وجودی است، که فلسفه، حیات و جهت معنوی ما هستی ما را حکایت میکند، و همه لحظه های شد و روز زندگی و شور و دوا و کار و فراغت و اندیشه و احسان و هر یک زندگی و هر نفس کوفتنمان را بر میسازد و از این مسئله "مسئولیت" سرای ما هیچگاه و خصوصاً امروزانه انجام وظیفه، نه تنها ادای حق در سراسر مردم و ایدئولوژی ما، که مسئله "موجودیت" بوده است! و نیازی به گفتن نیست که توبه نه این است که کاری کنیم تا ما نسیم بلکه برعکس ما نسیم تا کاری کنیم!

بیرون راه معلم،

سالکان طریقت آگاهی!

در شرایط حاس و خطیری که سر مردم و ایدئولوژی ما میگذرد، در شرایطی که خفقان هیبت افروخته میگرد و دیکتاتورنی نقاب از چهره دریده و سرکوبی ما مان و بی‌گیزشها ساخت حکام اسلام فقهانی شده است، و در عسار اندیشه اسلام راه معات سباهی هر روز شکر میسوزاند و زلال پاک چشمه ایمان ما را به جهل و جور و لجن هر روز سیر میسازد و چنان کرده اند که این سطل "ارث سلاطین" اسلام خود چون ما زگریده از هر دستار ساء و سفیدی که مذهب ما مگرفته، مگر بر دوش خود و نجات راسه سوی دیگری طلب کند و بلکه راه جیتی دیگر موبد و دین و فرهنگ و تاریخ را ادعای کبکی زند و سوسونیت ظلمی که سه حکم دین و فتوای شرع، سر مردم مغرقت و جباللی که به نام و حوالت رسم اسلام میاد کرده و فریسی که تا امروز دین بزرگوین این خلق خوانده شد، مذهب را به طلاقه کند و این سرمایه عظیم ایدئولوژیکی را به متولیان رسمی و مدعیان حاکمیت سپاردند، مسئولیت ما به عنوان و ارثان میلاد جدید اسلام معارضه غیر تر می شود، و سنا رزه، ما دیگر تنها در محبت سانی علم دیکتاتورنی مطلقه و سرکوب برای سرکوبی حکومت جور و جهل و جور اسلام فقهانی، محدود می شود بلکه قراقرز آن رسالت عظیم "تدوین ایدئولوژی" و "تکوین سبیل اعتقادی اسلام اجتماعی" را پیش رود رسم، و اگر در جنبه نخست هنگام و همسنگر ما کلبه "مالین" سیروهای مترقی و انقلابی متحدانه بنا رزه ما دیکتاتورنی بر مغزیم، در حبه دوم تنها نسیم، "سین ما بدو نمازگاری کنیم

دوای سرای دردمان، فونی سرای گرسگمان! و اس واقعتی است که سال تمام تجربه اش کردیم. در این موقعیت، جا نگار ما در مناظره، ما سیاسی، ریزگی حامی، دارد. و از این رو نقش ما همان مسئولان سنگی است، در استفاده هم در قتل ما زراعی و هم در خط و موضع سیاسی، بلکه اتحاد کم کم، تا بیستی استقلال سیاسی، شخصی ذوقی نظام اداری و سرچورد اصولی تا اعتراضات درونی حتی درونی تا کینه و تلاش بر حفظ مفاد و جداسازی. در هر میزان از اشتراک سر و در جمل، طلق سیاسی، ما توجه به حقیقت و هدف اصلی کار خودوران تا حتمی نکته سرخسای اینست که لوزی و ریالت لوزی است و لوزی... سرای معوان، فایویندهای نامتسا زراعتان در طرفدایته با هم.

استقلال سیاسی: در نتیجه، تعلم، تقلیل گسترده گش و هم مخصوص تمام و فرا گسترده بیستی پس از نیا بدیوی همواره از بیستی در معرض تعریفات و استفاده بی یگوناگون، چه از جانب حکام بقا حتی وجه از خاصه دیگر خطوط سیاسی مذهبی واقع گزیده است. تعدد تکلیفات سرور و، شریعتی و گوناگونی سیاسی، متفاوت هر یک، زمینه را برای زمین سوز استفاده ها می، و هم بیستوع سرداشته است و دستگیره و امکان آن را که از اعتراض معوان یک خط مستقل سیاسی (چشمه در اندو لوزی وجه در این روشنگاری و بیستی) در عین، ما زراعی جامعه، ما طرح شود، در محدود می باشد. اعتراضات خود در این، تکلیفات در مثال سرگوت، هر دو از زیر آنگذی نیروها و در نتیجه اتحاد عمل ما را از پیش با دیگر خطوط سیاسی بر دیگر سرعاً عمل دیگری در جهت الشعاع بقا و از بدین استقلال این خط سیاسی بشمار مرتزقه است. امروزه وقت آن است که بیروان را به بیستی تا ناگدید و ریزگیهای خطی اندو لوزی و سیاسی اعلام معارضه خطی آنگا حتی ازادی سخن، منطقی بر ماسی، از چشمه، ترغیبی، اعمای عقده و از این خط سیاسی مستقل از دیگر خطوط و در عین حال فعال در زمینه، ما زراعی بر ما را که گش را بیرونی و گسترده گشهای حامی اندو لوزی، ما و هم خط خطی، ما و سرچوردت، خطوط، مرتزقه های سیاسی، اعتراضات گش و بیستی حامی، شمشاد، اتحاد و تشکیل، مستقل بیرونی را در بیستی، در هر گنا که شمشاد و لوس کام در این شمشاد،

تمرکز مآزراعه بر نظام اداری: از لحاظ حاکم و سرسندی و سرچورد اصولی تا اعتراضات درونی همین در عین تا گندون تلاش بر حفظ مفاد و جداسازی!

شمار روز افزون تحولات سیاسی و فشت و زنده تداوم در درون تقویت بیرونی و انقلابی و سرچورد نظام اداری، بیستی بیکیابوری اجتماع ری حاکم و بهتره، اصلی آن خمسی طدارا که لاتح القبا موجود فرار داده است و سیاسی که از قطع، ۳۰ هزار ده گه، نشاندای درونی همین در مقابل ما بیستوع سرگوت بی ایان بیرونی و معاهد و بیرونی و انقلابی توسط انواع حاکم، بقوه بد میگردد، دورتر و مشغول، اغلب حریمات سیاسی در عین تمرکز سوزهای خود مول معور است شهادت تا قیانه انسانی آر آن گشته اند و بر دایر گش به تکدیگر و اتحاد شیوه های معر او بی سرچورد، سرشفت و سربران درون جنبی امروزه اند و تنها به شکلی که ملاحظه فلسفی تا حد طرح بقا سرگوتی و اتحاد هر از جیدی به تحلیل و بررسی سیاسی های رژیم و ترانند مردم شنوده کرده اند. و بنا به عکس ما اعتراضات نسبت به کل مسائل درونی جنبی (چه ساخت نظری و چه تحولات در روابط سروهای سیاسی) و فاکتور گیری آن مسائل، تحلیل فایرواح سیاسی خود را با معانی رژیم و سرسندی ترا بسط ما نه محدود می کند. آنچه که در آن میان مشترک است نسبت به سرچورد اصولی و یک جنبه سیاسی است و روابط سیاسی است که تا تمرکز سر و معله رژیم، در عین حال که عمل و حدت ما بر دایر زراعه و حقوق کل شیروهای معارضه های و مدخلت منطقی معط میکند نسبت به اعتراضات درونی همین سرسند و سرچورد کرده و موممی اصولی ایجاد کند. سرور و از بیستی تا مدعا مقرر گشته اعمال در زمینه مآزراعه و دستکاری توری اجتماع ری حاکم و حفظ همگی جنبه های تا کل شیروهای سروری انقلابی بشکلی سکولار اصولی تا شکل همین سرچورد نموده و بنا معارضه های

گزیده ای از مواضع سیاسی شهید شریعتی

اندیشهٔ معلم انقلاب، شهید شریعتی، که نقشی مزین و مستقیم بر مجموعهٔ نیروهای عترتی و انقلابی مسلمان از لحاظ مفیدتی داشته است، پس از شهادت وی، از نظر سیاسی، در معرض سو استفاده هکذا و تعریفات گویاگون واقع گردید.

از جانب تئوریسینان سیاسی مذهبی گرفته تا راستگرایان مرحوم، بخوار و در جهت توجیه مواضع و عملکردهای استعراسی خود، بی نهایت سعی در تفسیر و تفسیرات نامعقول و توطئه‌آمیز سیاسی اندیشه و راه شریعتی، به تفصیل توطئه‌های شیاهی و کثیسی، معمول با متعصب و بصورت برانگیزنده و برپنده و دست و پا شکسته میبردند. حال آنکه «سرای فیه و تاسخت اندیشه» یک منکر سیاست کلیت تفکر او را در ربط با مصادیق سیاسی مناسبات و شرایط زندگی و مبارزه، وی دریافت و به کار بست. لذا نه تنها سخن او را اختیار «سول و سنت» منظم، محتاج به ملاحظت و اهلیت خاص خود است، بلکه حتی درک ساده و ابتدائی اندیشهٔ شریعتی نیز، بیشتر از بسیاری را در نظرمانده، همه ما سه مجموعه آثار و تفسیرات و ابای دیدگاهها پیش در روی ما یکدیگر سیالند.

از اینرو، ما از این شماره، گزیده‌ای از مواضع مکتوب سیاسی خود نظیر: «بشتر میسازیم تا دیگر اسهام و توهمی برای اشتهاء و ایجاد تشبیه باقی نماند. این دیدگاهها در رابطه با مستزین مسائل سیاسی روز انتخاب شده‌اند، ما بنویسیم:

« شاه، با همیسی، بی‌طاعت، دیکتاتور و نظام نامتک حزی، با میرزا لیسیم و ...

« عهبنی، ولایت فقیه، حکومت مذهبی، روحانیت ...

« فر فر میم، البسیرت الیسیم، سیاسی تشریحیم، سر ما به داری و فطود الیسیم و غیره دور و زویو ...

« ما همدین، مختلف بزاد، استراژی متنازه، مصلحانه ایدئولوژی و تشکیلات، با پورتیستینای چپ نما و ...

« ما راکسیم، لیسیم، استالیسم، ما فو لیسیم، کا سترسی، شوروی و چین، عزت توده، سوسال لیسیم ...

« اسلام محمدی، تشیح فقیوی، سبخت رسانسین و پروتستانسین، سد سما ل و انقال و ارتقاد، منی - آگاهیش و مبارزه، سیاسی آزادیش، تشکیلات توحیدی و مزج علوی ...

« دولت، رهبری، دیگر اسای، تبعید، مبدقی و ...

که همزمان با اینهمین سالگرد شهادت معلم، در مضامین و بهارهٔ محتر و شهادت، بخندیم، به جای میروند.

سلطنت رژیم شاه، با انقلاب سفید، دکترا میسین ...

اس سخن که از مجموعهٔ ۲۵ مضامین ۶۰۷۶۶۲ ...

اجتناس شده، فالسا مقالات دکترا شریعتی در مسوالی سالهای (۲۱-۱۹۲۱) است که همزمان با انقلاب سفید آمریکا کنی (زردها خانه) در غرب ایران آزاد چاپ شده است، که ما مستحق از آزاد عمومی رژیم شاه ...

انقلاب سفید دکترا میسین و ... درج می کنیم.

رژیم شاه ...

دا ز است در یک چشم سیردن تشکیلات به رژیم و حزی تی، حزب ملت و حزب مردم را بر عهده وقت از کیم در میسای نه ما لم وجود کذا تشدید و با هم مقبول نما زده طفا قی و سیاسی خویشین گردیدند! و بقول یک کتا مرطلسیم و هوشیا را برای کسی که همان زمان گفت:

حزب ملت مخالف مردم

حزب مردم مخالف ملت

یکی از رجال به نوشتهٔ سفید فورد که «به آقای انقال گله کرده ام که چرا کمپنی میروید و اسم بر در لیست حزب ما ورده اید، انقال گفت سخن رسیده، فرمودند «امشان را برای حزب مخالف نگاه داشته ایم و بنده سیاسی رشتنگر کردم!

«چندی پیش کتابی نام رژیم‌های سا سو با میو لیدم که یک مرتبه گفت و الهایی بی سن دست داد و برای این سو که متوجه شدم در مدت پنج شش سال اخیر در ایسار خودمان انواع و اقسام رژیمهای سیاسی را که در آن کتاب با داورتده سو تداست ام.

رژیم طاقت، حضرت آیت الله جیل شونی منسوی دادند که تا قبل از ظهور ما در زمان سلطان ظل الله و تا کیم سو سلطنتین است، اگر کتاب عادل تونما سو داورا تا شانس کرد و اگر طاقت بود ما که در کیم عدا و ندفلمت او را نسبت به رحمت سیران فرما بد.

رژیم جمهوری پیش از ۲۸ مرداد اجرا بد سو تشیکه تا کیون علی حضرت طین اهل و ماییت ولادت سیران سلطنت میفرمودند، ولی حالاً یک فرما اندم عمومی و انقلابی همه مردم کشور را بنان در ۲۸ سپرداد رای دادند و ایشان را از طریق انتخابات عمومی به زمان مداری انتخاب فرمودند!

رژیم و حزی، سیاسی از ما سطران رژیم و حزی را از همه آل مصادد، یک حزب راست و مفا فله تا کاروبک حزب چپ و فر فر ما شور یکی کار می کنند و یکی کار او را تصحیح می کنند و امضا می کنند، یکی ساینده طبقه مقتدر و دیگری ساینده طبقه معروم و ضعیف.

امریکا و عملاً انگلستان از اس مو هت سر مور دادند رژیم ایران که قدرت ارتعاشی و کشن لازم انگلیسی را که آن همه لنینیستان تحیکه میگردنشان از تصوروی

ولی متعنا نما زرات حزی طول کشند و هر چه ما هم کلکنا ز زعمند مردم ما و رتگردند و مخرج و اختلاف وقت شنبه ای در آن.

علامه و علما رژیم ما اگر راستش را بخواند یک رژیم تا هتای ما کسی نیست انقلابی است! و منظم طبقی حسابهای ما کسی بد هفتنه یا چند ماه دیگر بدل به یک رژیم تا هتای کمیونسیتی خواهد گردید!

دز کتور ما هم بنیز ما هم میخواند، در شرح حال ما با طاهر مرغان سوخته اند که مردی عامی و معسواد سو دشنی رفت نوی آن که نسل کشن تا سر از آب در آورد اعجاب کرد که بنیک ما رنگا بل بدل شده است و خودش گفته است: با صحت کرد ما و امست مرسا! اصح کردیم و وقت قرب تمام!

زما مذا ران ایران سو غوغوشن تا نه از اس رحمت تبدیل به عدا علا سر غور دادند و در فاطه چند ماه از جو مبه به قتل کا ستر و زارترا به لیس منسوا سید تبدیل شوند.

اما مردم ما سخت با و رند و سو بده اس آقا بان لیس همه زحمت و درد سراسری خودشان با رما ورند. ملت چون فتر سبب استراتژی و تا زرت کیمیا سو ده است از اس تا کشک خوب واقف است.

ترک کیمیا وقتی به دهی حمله میسرد و سکتند وزن وسیع را اسیر میگردند، برای اس که سیرستان را مردم

تقت پیام‌ها و تشویق‌ها را بشناسد...
 چند سالی است که این مرحله را آغاز کرده‌ایم و نخستین گامها را برداشته‌ایم. بسیار کم‌تجربگی
 و کم‌تجربگی خطرناک و فاجعه آمیز توان بود گذشته‌ای است اگر از آن به غفلت نگذریم و نتوانی نشین
 و توانمان را تنها و تنها در یک محدوده عمل مطلقا سیاسی مستهلک سازیم. این کار موجب آن میشود
 که اسلامو در حین خفته شود و سیراتش خوا رجاها و نشاندات‌ها را می‌دستگیران باشد. دیگرانی که
 با رها نشاندان دادند که چه میراث‌خوااران حق ناشناسی و دشمنگامی هستند. در چنین شرایطی و سبزه
 با توجه به مرحله‌ای که بهشت مجدداً سلام و تنگویی ایدئولوژیک آن در معرض استعدا باشد، البته تیز
 ساز و و تنگه‌های اساسی مسئولیت ما بر تنگویی و بندوبست ایدئولوژی است.
 از اینرو، با توجه به این اصول یک با دیگر با معلم همداستیم که: "در کوله‌سار هر که در این
 طریق گام می‌نهد آنچه با پداسا شد مشتق است و با پسا را و اخلاقی و تقوی و سیر خود آگاهی و روح و ناکامی
 و اعتماد و خاری العاده در تحمل سختی و عیانیت و تنها شیوه‌ها و قوانین خاصه، غنچا ریش و ریش
 هنگامان ناکت و خروج ملمبه‌های متعصب و زشت و بی‌توسی تفصیر و فاسی و جاهل، که هر حقیقی و
 حق پرستی، آناج این سه جنبه ناهق است و مگر نه مطهر و محسنه، حق‌فلسی در این سه جنبه جنگند
 و بی‌غریبید، هر که فلسی و ارزندگی کند و فلسی را رکار کند و فلسی و ارشخ بگوید و فلسی و ارسا باشد
 همیشه با رشنوشت محتوم فلسی بگریزد.

پس بیباک‌ترین فلسی، شایسته قدم، بیباک‌گوش، استوار، سرخیزیم و گامی فرابیش رویم!
 "دا بشعویان ارشاد"

۴۵ / ۲ / ۱۰

به معلم راه سید آری و
 زندگیم شبید شیرینی
آرزوی کویزه
 تنها،
 سرگذشتی رمزهای "سیکا بگی"
 و چون هرگز روشن منجاب
 آرام و نواز زنگسری
 بردن‌های مفروق شه
 فریاد رسیدی.
 هزاران آرزوی امید،
 هزاران ستاره شادای،
 در دود در غنجد،
 تویی که سرشار از "تفاوتن" و "شداختن" بودی.

درباره‌هاست کویزه
 تکرار و خواهی شد،
 در هر طوق
 در هر طرفان
 و نسا پتورا،
 سرگذر کارهای تنفیده آن،
 کاروانان "صبح آگاهی"
 خواهمدخواستند.

جنگ خلقی، جنگ امروز است!

<p style="text-align: center;">ای کلمه مبارک و پویا و پرتوان <input type="radio"/> صبر و شکر</p> <p>● B.N.P 30004 ● khandagh ● No 01256551 ● Code: 00892 ● Ag-Kieber ● Paris, France</p>	<p style="text-align: center;">گام‌های پویا و پرتوان <input type="radio"/> کلمه مبارک و پویا و پرتوان</p> <p>● khandagh ● B.P 135 ● 94 004 ● creteil-cedex ● France</p>
--	--

۸۶ / ۵ / ۱